

## بازشناسی استفاده از پتانسیل جنگل‌های گیلان با نگرش توسعه

سیده صدیقه حسنی مهر\* - دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۱۲      تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

### چکیده

مناطق جنگلی گیلان از رود آستاراچای در مرز ایران و جمهوری آذربایجان تا رود چابکسر در شرق گیلان را شامل می‌شود و در آن تعداد ۲۰۴۱ آبادی وجود دارد که محل سکونت دائم یا موقت ۶۱،۱۱۰ خانوار و جمعیتی برابر ۳۶۸،۱۲۰ نفر است. جنگل‌های گیلان که هم‌اکنون به صورت نوار باریکی مناطق کوهستانی دامنه‌های شمالی البرز را پوشانده است، دارای سطحی برابر ۵۵۰،۰۰۰ هکتار برآورد شده که با توجه به تعداد جمعیت ساکن در این سطح، تراکم جمعیت برابر ۰/۷ نفر در هکتار است. وضعیت جغرافیایی و پستی و بلندی جنگل‌های گیلان و نیز، امکانات دسترسی به مناطق و آب قابل شرب، نقش اساسی در تراکم و پراکنش دام و جنگل‌نشین دارد. در طول دو دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ با افزایش جمعیت در مناطق جنگلی و روستایی، روند تخریب و نابودی جنگل‌ها نیز در استان گیلان شدت یافت. علل تخریب جنگل‌های گیلان را می‌توان در سه عامل: استفاده از جنگل به‌عنوان چراگاه و چرای بی‌رویه، قطع غیرمجاز درختان و بهره‌برداری سنتی و آتش‌سوزی جنگل‌ها دانست. روش جمع‌آوری اطلاعات در این نوشتار برپایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده‌ی مستقیم از برخی مناطق جنگلی گیلان بوده است و نتایج نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌ها و اجرای طرح‌هایی در جهت استفاده‌ی بهینه از منابع طبیعی، افزایش بی‌رویه‌ی برداشت از منابع جنگلی وجود دارد. درنهایت، برای زنده نگه‌داشتن محیط جغرافیایی گیلان و حفظ عناصر طبیعی حیات در آن، اقدامات اساسی به‌صورت پیشنهاد ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اراضی جنگلی، جنگل‌نشین، توسعه‌ی منطقه‌ای، گیلان.

### مقدمه

پیش از هر گونه برنامه‌ریزی به‌منظور برداشت اصولی در توده، آگاهی و بینش از وضعیت ساختار توده‌ای طبیعی و تیپ‌های درختی موجود در جنگل و شناخت روند تکاملی اکوسیستم‌های جنگلی، امری ضروری بوده و می‌تواند به‌عنوان

الگوی مناسب برای انتخاب شیوه‌های صحیح جنگل‌شناسی باشد که در این راستا از سال‌های گذشته پژوهش‌های فراوانی در ایران و سایر کشورها انجام شده است (توانا و همکاران، ۱۳۸۶: ۲).

در حال حاضر بخش عمده‌ای از جنگل‌های شمال کشور بر اثر تراکم دام و سکونت جنگل‌نشینان و دیگر دخالت‌های اجتماعی، از تخریب محیط زیست رنج می‌برد.

وجود آبادی‌های کوچک و پراکنده‌ی جنگلی و فعالیت‌های کشاورزی و پرورش دام بیش از توان و ظرفیت جنگل، موجب تخریب جنگل شده است. هر چند که تعداد زیاد، کوچک‌بودن و پراکندگی روستاها و آبادی‌ها، از دسته مسائلی است که همواره به‌عنوان مانعی برای توسعه‌ی نواحی قلمداد می‌شود و از لحاظ اقتصادی، موجب مقرون به‌صرفه‌نبودن خدمات‌رسانی شده است (مشیری و حسینی‌مهر، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

دامداری به‌روش سنتی و قدیمی در جنگل با بهره‌برداری صنعتی از جنگل ناسازگار است و این کار به هیچ‌وجه با شرایط کنونی و نیاز جامعه امکان‌پذیر نیست و بایستی شیوه و روش‌های دامداری از سنتی به صنعتی تغییر یابد. با رویکردی به روند کنونی افزایش جمعیت و نیازهای فزاینده‌ی جامعه به گوشت و فرآورده‌های شیر، باید تولیدات دامی نیز در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. از نظر اقتصادی، وقتی دام و جنگل‌نشین از جنگل خارج شوند، پسماند کمی و کیفی جنگل کاهش یافته و حداقل رویش سالانه‌ی هر هکتار، از ۳ مترمکعب به ۶ الی ۷ مترمکعب خواهد رسید و به‌همین نسبت ظرفیت بهره‌برداری صحیح و منطقی بالا خواهد رفت. جنگل‌ها و مراتع جایگاه خاصی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی هر منطقه دارند، با به خدمت گرفتن این منابع و استفاده‌ی معقولانه و مدبرانه و علمی، می‌توان در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه بهره برد (مهندسان مشاور تاک سبز، ۱۳۸۳: ۱۸).

## مبانی نظری

در دسته‌بندی گونه‌های گیاهی ایران که بر اساس طبقه‌بندی اقلیمی به‌دست بوبک انجام شده است، جنگل‌های نواحی مرطوب تنها در شمال ایران، یعنی در کناره‌های باریک سواحل دریای خزر و دامنه‌های شمالی البرز تا ارتفاع ۲۷۰۰ متری وجود دارند که به نام جنگل‌های هیرکانی نامیده می‌شوند (ثمیری، ۱۳۷۷: ۵۱).

برحسب آمار و اطلاعات موجود، وسعت جنگل‌های کشور روند رو به کاهش دارد. جنگل‌های شمال کشور از نظر پتانسیل چوب همیشه مد نظر بوده است، فشار زیادی را تحمل می‌کند، به‌گونه‌ای که وسعت آن از ۳۴ میلیون هکتار در سال ۱۳۳۲ به رقم کنونی ۱/۸۵ میلیون هکتار رسیده است.

به موازات تخریب کمی و کیفی مناطق جنگلی، کوهستانی و کوهپایه‌ای، بیشترین فشار تخریب و امحای جنگل در بخش جلگه‌ای آن بوده است. توسعه‌ی کشاورزی، شهری و صنعتی زمینه‌ساز حذف بخش وسیعی از جوامع جنگلی را فراهم کرده است، امروزه خسارات وارده به تنوع زیستی اکوسیستم‌های ساحلی منطقه، آنقدر شدید است که به‌سختی می‌توان اجتماعات کوچک و لکه‌مانند برجای مانده از جوامع گذشته را مشاهده کرد (کیا لاشکی و رضوانی، ۱۳۸۸: ۳۲).

بنابراین برای نجات جنگل از ویرانی و نیستی و دگرگونی در سیستم دامداری بسیار کهنه و افزایش تولیدات دامی و درآمد دامداران و فراهم کردن امکانات بهداشتی، درمانی، آموزشی و رفاهی، طرح تحوّل روش دامداری یا ساماندهی

"خروج دام از جنگل" برای مدیریت صحیح این جنگل‌ها، یک ضرورت شناخته شده است (سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، ۱۳۷۳: ۸-۷).

تعداد جمعیت جنگل‌نشین در مناطق جنگلی گیلان، با استعداد و امکانات کشاورزی آنها رابطه‌ی کمابیش معکوس دارد؛ زیرا کسب درآمد بالاتر از طریق فعالیت‌های کشاورزی و زراعی، سبب جلب نیروهای انسانی بیشتر به این بخش شده و افزون‌بر کسب درآمد بیشتر، موجب بالارفتن سطح رفاه و بهبود زندگی و در نتیجه، بهره‌وری بهتر از امکانات بهداشتی، آموزشی و فرهنگی شده است. بنابراین وجود بیشتر و بهتر این گونه جاذبه‌ها و امکانات اقتصادی در قسمت‌های جلگه‌ای و مرکزی و حاشیه‌ی شمالی جنگلی منطقه‌ی شرق گیلان نسبت به منطقه‌ی غرب آن، موجب تراکم کمتر جنگل‌نشین در جنگل‌ها شده است (مرکز تخصصی توسعه و عمران جهاد دانشگاهی گیلان، ۱۳۷۶: ۳۸).

وجود آبادی‌های بزرگ در هر یک از مناطق جنگلی یا حاشیه‌ی جنگلی، اعم از حاشیه‌ی شمالی و حاشیه‌ی جنوبی و نیز، بافت اجتماعی و وابستگی‌های خانوادگی و قومی و ایلی نیز، از عوامل مؤثر در تراکم جمعیت دامدار و جنگل‌نشین یا پراکنش آنان است؛ زیرا به دلیل افزایش جمعیت در روستاهای مجاور جنگل و عدم تکافوی اراضی برای تأمین خانواده‌ها، ناچار گروهی از روستاییان به جنگل‌های مجاور و نزدیکتر روستا روی آورده و بخشی از سطح جنگل را برای سکونت و دامداری و مانند آن اشغال کرده‌اند. بدین ترتیب در اطراف هر روستا و قریه‌ی جنگلی، تعداد زیادی از خانوارها به طور پراکنده سکونت و به کارهای دامداری و کشاورزی مشغول شده و از این طریق امرار معاش می‌کنند (اصلاح عربانی به نقل از نظامی و مقدم، ۱۳۷۴: ۳۷۱-۳۷۰).

در طول چند دهه‌ی اخیر، به‌ویژه در دو دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ با افزایش جمعیت در مناطق جنگلی و روستایی، روند تخریب و نابودی جنگل‌ها نیز در استان گیلان شدت یافته است. پیش از قانون ملی شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱، جنگل‌های بکر و دست‌نخورده در گیلان زیاد بود؛ اما در حال حاضر به جرئت می‌توان گفت که در گیلان چنین جنگلی وجود ندارد و در هر گوشه و کناری از جنگل، یک یا چند خانه روستایی و چوبی با تعدادی دام و قطعاتی از زمین‌های زراعی وجود دارد.

دسته‌بندی اراضی جلگه‌ای جنگلی به قطعات ۱۰ هکتاری و واگذاری آنها به سرمایه‌داران و افراد متنفذ را نیز، می‌توان از عواملی به‌شمار آورد که انهدام و تخریب جنگل‌ها را تسریع کرده است.

با آنکه پس از ملی شدن جنگل‌ها و تشکیل سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، نهادهای اداری و سازمانی در استان‌های شمال، از جمله گیلان گسترش یافت و بر تعداد کارمندان و کارکنان فنی و حفاظتی و خدماتی افزوده شد و با وجود واحدهای کوچک و بزرگ با عنوان سرجنگلانی و جنگلداری، تخریب و انهدام جنگل‌ها متوقف نشد.

در این راستا، این پژوهش در جست‌وجوی پاسخ به سؤال‌های زیر است:

- ۱- آیا وجود تک‌خانوارهای جنگل‌نشین عامل مهم در تخریب جنگل هستند؟
- ۲- آیا از جنگل‌های گیلان حفاظت مؤثر و مناسبی انجام می‌شود؟

## روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از شیوه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی و میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بهره گرفته شده است.

## منطقه‌ی مورد مطالعه

محدوده‌ی مورد مطالعه، مناطق جنگلی گیلان از رود آستاراچای در مرز ایران و جمهوری آذربایجان تا رود چابکسر در شرق گیلان را شامل می‌شود که در آن تعداد ۲۰۴۱ آبادی وجود دارد و محل سکونت دائم یا موقت ۶۱,۱۱۰ خانوار و جمعیتی برابر ۳۶۸,۱۲۰ نفر است.

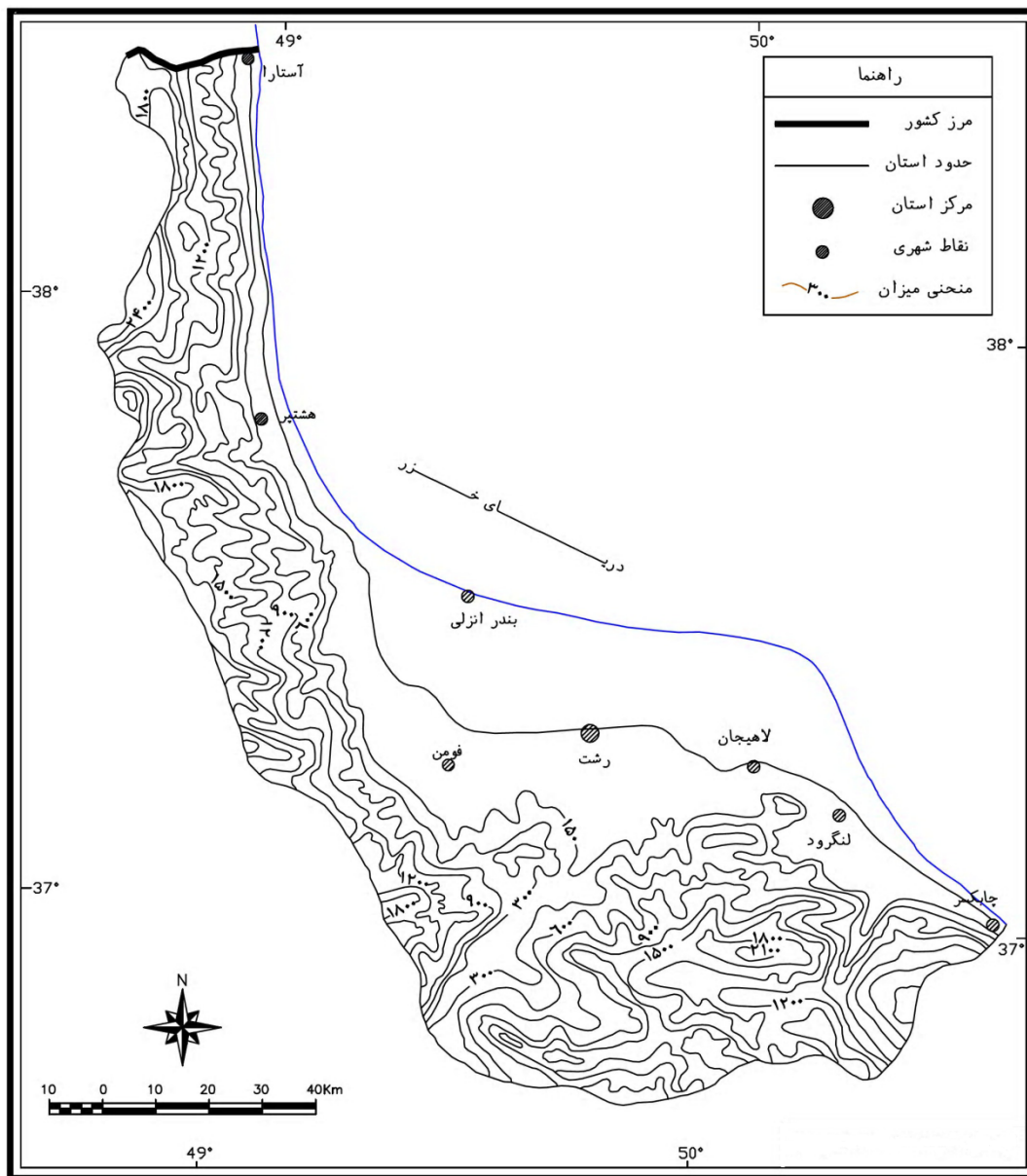
جنگل‌های گیلان که هم‌اکنون به صورت نوار باریکی مناطق کوهستانی دامنه‌های شمالی البرز را پوشانده است، از سطحی برابر ۵۵۰,۰۰۰ هکتار برآورد شده که با توجه به تعداد جمعیت ساکن در این سطح، تراکم جمعیت برابر ۰/۷ نفر در هکتار است.

شیوه‌ی سنتی دامداری و افزایش سریع جمعیت دامداران بومی در عرصه‌های جنگلی گیلان، همگام با شیوه‌ی معیشت جنگل‌نشینان، گونه‌ی خاصی از پراکنش و ساختار جمعیت را به وجود آورده است. برای مثال از ۱۵۵۴ آبادی داخل جنگل، تعداد ۴۰ درصد آن کمتر از ۵ خانوار جمعیت دارد و همچنین ۳۳ درصد این تعداد آبادی، دارای ۶ تا ۲۰ خانوار است.

جنگل‌های سواحل جنوبی دریای خزر، در دو ردیف اراضی جنگلی با تراکم انبوه هستند، هرچند که در سال‌های اخیر، قسمت‌هایی از زمین‌های جنگلی شمال تخریب شده است. انتشار و پراکندگی درختان، بنا بر شرایط ایجادشده‌ی محلی و خصوصیات جنگل تغییر می‌کند. در بین همه‌ی درختان جنگلی، تعدادی از گونه‌ها در سراسر نواحی جنگلی شمال وجود دارد، مانند درخت شیردار که از گونه‌هایی است که در ارتفاعات مختلف دامنه‌های شمالی رشته‌کوه‌های البرز جلب توجه می‌کند. در صورتی که بعضی از گونه‌ها تنها به بخشی از ناحیه یا ارتفاع معینی محدود می‌شوند. به طور مثال، درخت شب‌خسب تنها در سواحل غربی دریای خزر و درخت ارغوان بیشتر در سواحل شرقی پراکنده است. در قسمت‌های بالای جنگل، درختان اوری، کچف و توس انتشار دارد. ارتفاع زیاد از سطوح دریا، مانع رشد طبیعی این درختان می‌شود. به این دلیل، درختانی که در حدود فوقانی جنگل قرار دارند، دارای ارتفاع کمی بوده و معمولاً درختان پا کوتاه یا درختچه هستند، اما در هر حال ارتفاع بلندترین آنها از ده متر تجاوز نمی‌کند.

مهم‌ترین جامعه‌ای که در ارتفاعات زیاد البرز و در مرز فوقانی جنگل جلب توجه می‌کند، اجتماع اوری - کچفستان

است.



شکل ۱. نقشه‌ی توپوگرافی استان گیلان

همچنین درختان و درختچه‌هایی از قبیل کرکف، سفید کرکو، مای مرز، پیرو، زرشک، هفت کول، پلاخور، دغدغک، امرود، تمشک، دیوالبالو و آلوچه‌ی وحشی در بین آنها دیده می‌شوند. در نواحی کم ارتفاع شیب شمالی البرز، معمولاً در دره‌های مرطوب و کنار جویبارها یا جلگه‌هایی که آب سطحی بالا است، جامعه‌هایی از درختان توسکا، سفید پلت و لرک دیده می‌شود. در این بخش، درختان دیگری نیز مانند فک، زبان گنجشک، سیاه ال، تمشک، سیاه اربه، بیدمشک و بعضی از درختان و درختچه‌هایی دیده می‌شود که به رطوبت زیاد علاقه‌مند هستند، دیده می‌شود. توسکا از جمله درختان پهن‌برگ و با رشد سریع جنگل‌های شمال ایران است که طالب خاک‌های مرطوب بوده و به فراوانی در نواحی جلگه‌ای کرانه‌های دریای خزر پراکنده هستند.

جدول ۱. وسعت جنگل‌های استان‌های کشور (۱۳۷۹)

نام استان	وسعت (هزار هکتار)	نام استان	وسعت (هزار هکتار)
کل کشور	۱۲۴۰۰	سیستان و بلوچستان	۱۰۰۰
آذربایجان شرقی	۱۴۴	فارس	۱۲۰۰
آذربایجان غربی	۱۷۴	کردستان	۳۰۰
اردبیل	۲۰	کرمان	۷۸۰
اصفهان	۱۰۰	کرمانشاه	۸۲۰
ایلام	۵۰۰	کهگیلویه و بویر احمد	۹۹۷/۱
بوشهر	۳۲۰	گیلان	۵۵۰/۱۳۳
تهران	۲۸/۸۷	لرستان	۸۸۰
چهار محال و بختیاری	۳۰۷	مازندران	۱۳۴۳/۴۶۴
خراسان	۱۱۳۰	مرکزی	۰/۲۳۳
خوزستان	۴۵۰	هرمزگان	۱۱۰
زنجان	۱۰	همدان	۲۰
سمنان	۲۲۵	یزد	۱۰

مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹: ۱۶۹

عمده‌ترین گونه‌های درختان جنگلی شمال عبارتند از:

**ممرز:** ممرز نوعی اولس از گروه پهن‌برگان است که ارتفاع آن بیش از ۲۵ متر است. این گونه با راش و مازو جامعه‌های مختلطی را تشکیل می‌دهد. پراکندگی آن به‌طور معمول در نواحی جلگه‌ای بوده و تا ارتفاع ۱۰۰۰ متری از سطح دریا دیده می‌شود.

**راش:** از نظر ارزش اقتصادی درخت راش از بهترین درختان جنگل‌های شمال است. ارتفاع آن تا ۳۵ متر و قطر آن بیش از ۱/۵ متر است. چوب راش سخت و سنگین است و برای تهیه‌ی تراورس، روکش و ادوات چوبی استفاده می‌شود. دسته‌بندی درختان جنگل‌های شمال به شرح زیر است:

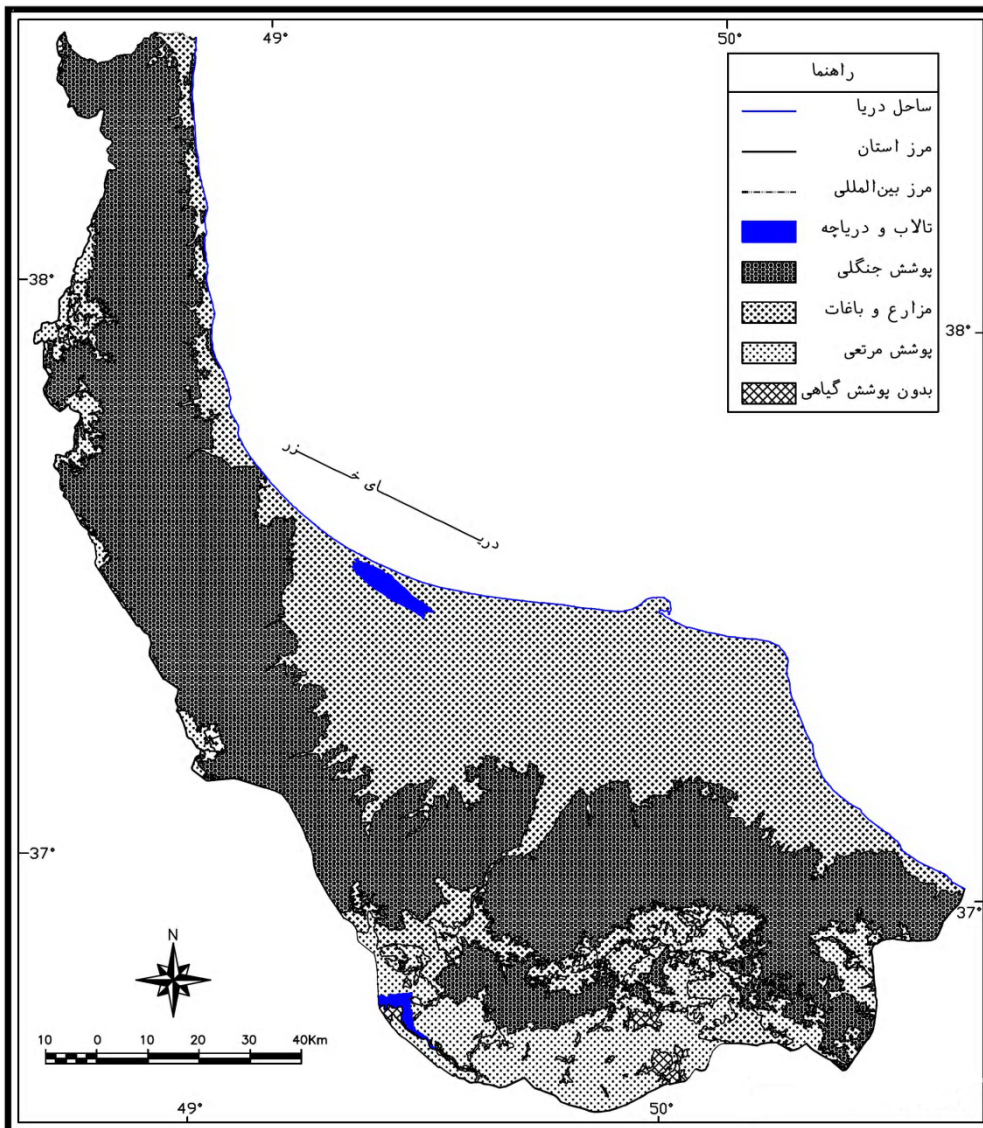
ممرز ۲۵ درصد؛

راش ۱۷/۵ درصد؛

بلوط ۶/۶ درصد؛

سایر پهن‌برگان ۰/۵ درصد.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که حدود ۱/۳ درختان جنگل‌های شمال، به‌دلیل کهنسالی و در اثر حمله‌ی آفت‌های جنگلی مریض یا مرده هستند. بدیهی است برنامه‌ریزی برای اصلاح اراضی جنگلی، جنگل‌تراشی و نشاندن نهال‌هایی مناسب با شرایط جغرافیایی ناحیه از تدابیر ضروری است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۱۹).



شکل ۲. نقشه‌ی کاربری اراضی استان گیلان

### علل تخریب جنگل‌های گیلان

#### الف) استفاده از جنگل به‌عنوان چراگاه و چرای بی‌رویه

ساکنان نقاط جنگلی در گیلان مانند سایر نقاط، از روزگاران قدیم برای تعلیف دام‌های خود جنگل را مورد استفاده قرار داده‌اند. آنها برای کمک به رشد علف‌های مورد نیاز، به خشکاندن و قطع کردن درختان و بریدن شاخه‌ها و ازبین‌بردن برگ‌ها می‌پردازند تا علف‌ها در فضای وسیع و روشن رشد و نمو بیشتری داشته باشند.

#### ب) قطع غیرمجاز درختان و بهره‌برداری سنتی

جاده‌های جنگلی در مناطق کوهستانی گسترش یافته و مواد سوختی، به‌ویژه نفت، در اختیار بسیاری از ساکنان جنگل قرار می‌گیرد. هنوز هم جمعیت کثیری از مردم گیلان در مناطق جنگلی و حاشیه‌ی جنگل‌ها، برای مصارف مختلفی چون

پخت‌وپز، تأمین روشنایی و تولید گرما، از چوب درختان استفاده می‌کنند، به‌طوری که زندگی این طبقه از افراد فقیر که در مناطق جنگلی زندگی می‌کنند، به چوب درختان جنگل بستگی دارد. بدین ترتیب در هر نقطه‌ای از جنگل که خانه‌ای به چشم می‌خورد، درختان اطراف آن قطع و فضای اطراف خانه کاملاً خالی شده است؛ زیرا علاوه بر استفاده از درختان برای سوخت و تولید گرما، برای کشت و زرع محصولات مورد نیاز نیز به قطع درختان مبادرت می‌شود. با افزایش جمعیت، سطح این‌گونه زمین‌های زراعی و باغ‌ها و محوطه‌های واقع در مناطق جنگلی، پی‌درپی در حال گسترش بوده و سطح جنگل‌ها کاهش می‌یابد.

### ج) آتش‌سوزی جنگل‌ها

با آغاز فصل پاییز ریزش برگ درختان جنگل آغاز می‌شود و در پایان این فصل، سطح جنگل یکپارچه از برگ‌های زرد خزان زده پوشیده می‌شود. در این موقع اگر چندی باران نبارد برگ‌ها خشک می‌شوند و خطر آتش‌سوزی را به‌همراه دارد. بدین ترتیب که در اثر وزش باد، برگ‌های خشک‌شده از نقاط مرتفع و شیب‌دار به سوی دره‌ها و محل‌های پست‌تر حرکت کرده در این نقاط انباشته می‌شوند و با کوچکترین سهل‌انگاری افرادی چون جنگل‌نشینان، رهگذران، شکارچیان و مسافران، به کانونی از آتش تبدیل می‌شوند و جنگل را به آتش می‌کشند.

گاهی نیز شلیک تفنگ شکارچیان یا رعد و برق نیز زمینه‌ساز ایجاد حریق در جنگل هستند؛ ولی اتفاقاتی از این قبیل به‌ندرت رخ داده است (اصلاح عربانی به نقل از نظامی و مقدم، ۱۳۷۴: ۱۸۲-۱۷۹).

### موقعیت جغرافیایی جنگل‌نشینان گیلان

#### الف) جنگل‌نشینان جلگه‌ای

تعداد این گروه از جنگل‌نشینان از نظر مقایسه با جنگل‌نشینان مناطق مرتفع و بیلاقی بسیار کم است، زیرا سطح جنگل‌های جلگه‌ای در اثر تخریب و تبدیل، به‌شدت کاهش یافته و هم‌اکنون اراضی جنگلی محدودی در برخی نقاط جلگه‌ای، مانند منطقه‌ی هفت دغنان در حوزه‌ی صومعه‌سرا و نیز مناطقی پراکنده در حوزه‌ی فومن و اسالم تا آستارا در گیلان وجود دارد که تعدادی از خانواده‌های روستایی را به‌صورت پراکنده یا مجتمع در خود جای داده است.

#### ب) جنگل‌نشینان مناطق کوهستانی

ساکنان نواحی کوهستانی از دیرباز پیشه‌ی دامداری داشته و تحت نظام اجتماعی خاص، همراه رمه‌های خود سالی چندبار از جایی به جای دیگر کوچ می‌کنند و دامداری را با همان روش سنتی و قدیمی ادامه می‌دهند. با توجه به سیر فزاینده و نرخ بالای رشد جمعیت در این مناطق و نیز، کمبود کار و حرفه‌های مناسب، تعدادی از خانوارهای ساکن در منطقه‌ی جنگلی به‌اجبار راه شهرها و مناطق روستایی جلگه‌ای را برای ادامه‌ی امرار معاش خود در پیش می‌گیرند و عده‌ای نیز، به‌دلیل عدم توانایی و وابستگی به بافت اجتماعی خانوادگی، در همان جنگل و کوهستان مکانی را برای زندگی خود و تعلیف دام‌های محدودشان انتخاب کرده با ساختن سرای دامداری و خانه‌ای چوبی و گلی، محدوده‌ای از



جنگل را به خود اختصاص می‌دهند. متأسفانه با وجود تمام مشکلات اجتماعی، مادی و فرهنگی حاکم بر این مناطق، باز هم روزبه‌روز به تعداد این گروه در جنگل افزوده می‌شود (اصلاح عربانی به نقل از نظامی و مقدم، ۱۳۷۴: ۳۷۸).

## اهمیت اقتصادی جنگل‌ها

جنگل‌های خزری طی چند هزاره، تنها منبع تأمین‌کننده محصولات چوبی ساکنان نوار سبز شمال ایران و سایر نقاط کشور به حساب می‌آمدند. ملی‌شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱ و تصویب قوانین و صدور آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط به تهیه‌ی طرح‌های جنگلداری، سبب شد که روش‌های بهره‌برداری و پرداخت عوارض و بهره‌ی مالکان اعیانی‌های مورد استفاده، دستخوش تغییرات وسیعی شود (سلمانیان چافجیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

به‌طور کلی جوامع گیاهی دامنه‌های شمالی البرز فراوان هستند. جامعه‌ی اوری، کچف و توس که در حدود فوقانی جنگل انتشار یافته‌اند. اوری از درختانی است که در بلندی‌های شمالی البرز زیست می‌کند و در باختر کوه‌های البرز، یعنی در جنگل‌های نیمه‌مرطوب مشاهده می‌شود و تا جنگل‌های ارسباران نیز تداوم یافته است. درخت کچف به‌صورت گروهی می‌روید. درخت توس یکی دیگر از پهن‌برگان است که به‌صورت گروهی در بلندی‌ها می‌روید.

راش یکی از بهترین و ارزنده‌ترین پهن‌برگان سایه‌پسند جنگل‌های شمال به‌شمار می‌رود. جامعه‌ی خالص راشستان با جامعه‌ی درخت ممرز به‌صورت مخلوط مشاهده می‌شود. این گیاه ۳۵ متر ارتفاع و قطری برابر ۱/۵ متر دارد.

از سوی دیگر بخش بزرگی از جنگل‌های شمالی را اجتماعی از درختان بلوط و اولس تشکیل می‌دهند. این اجتماع اغلب از ترکیب بلند مازو (بهترین و با ارزش‌ترین گونه‌های بلوط به ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ متر در بلندی‌های ۱۰۰۰ متری) و ممرز و گاه از ترکیب سفید مازو و لومه شکل می‌گیرند. ممرز نوعی اولس به ارتفاع ۲۵ متر است و با راش و بلند مازو یک جامعه‌ی مختلط را شکل می‌دهند. انتشار آن معمولاً در جلگه‌ها و میان‌بندهاست و تا ارتفاع ۱۰۰۰ متر از سطح دریا می‌روید. در بلندی‌های متوسط جنگل‌های شمال، یعنی در میان‌بند و کمتر در داخل جلگه، جامعه‌ی آزاد مشاهده می‌شود. جامعه‌ی انجیلی نیز در قسمت‌های کم‌ارتفاع و در جلگه‌های دریای خزر از آستارا تا گرگان که تا حدی آبهای زیرزمینی عمیق هستند، توزیع و پراکنده شده‌اند.

جامعه‌های توسکا، لرک و سفیدپلت، در جنگل‌های مرطوب، به‌ویژه دره‌های شمالی و کنار جویبارها و جلگه‌هایی همراه با آبهای سطحی بالا دیده می‌شوند. توسکا از جمله درختان پهن‌برگ با رشد سریع در جنگل‌های شمال است.

جامعه‌ی شمشاد که درختان غالب آن را درخت همیشه سبز شمشاد تشکیل می‌دهد، بسیار زیبا و انبوه است و محیط بسیار تاریکی را به‌وجود می‌آورند. درخت شمشاد، در جنگل‌های جلگه‌ای و میان‌بند شمال کشور پراکنده شده است و ارتفاع آن ۱۵ و قطر آن ۵۰ سانتی‌متر است. جنگل‌های شمشاد به‌دلیل هرموسی که ایجاد می‌کنند، بسیار حاصلخیزند. چوب شمشاد سخت، متراکم، سنگین و بادوام است و جنبه‌ی صنعتی - صادراتی دارد.

دیگر درختان پراکنده جنگل‌های شمال که هم مصرف صنعتی و هم دستی دارند، از این قرار هستند: افرا، نم‌دار (شهد گیاهی آن برای پرورش زنبور عسل کاربرد دارد و برگ‌های فرعی آن مصرف پزشکی دارند)، داغداغان (۲۰ متر ارتفاع دارد)، نارون، اوجا، زبان گنجشک (در جنگل‌های مرطوب شمال که ارزش صنعتی دارد)، کلهو (به ارتفاع ۲۰ متر)،

شاه‌بلوط (در بلندی‌های گیلان مخلوط با سایر درختان می‌روید، جنبه‌ی صنعتی دارد و با سن ۶۰ سال، در حدود ۲۵ تا ۵۰ کیلوگرم میوه می‌دهد)، انجیر (درخت کوچکی از ۴ تا ۶ متر ارتفاع در شمال ایران به‌صورت وحشی و پراکنده یافت می‌شود)، زیتون تلخ (با میدان زیست بسیار گسترده از آستارا تا گرگان)، سرخدار (درخت سوزنی برگ و همیشه سبز و دویا به با برگ‌های سمی، چوب‌های مناسب برای مبل‌سازی و نجاری در جنگل‌های شمال به‌صورت پراکنده)، شب‌خسب و فندق که میوه‌ی آن ارزش روغنی و نشاسته‌ای دارد (خالدی، ۱۳۸۴: ۲۴۰-۲۳۶).

جنگل‌های محافظت‌نشده نیز برای هدف‌های دیگری چون تفریح، به‌دست آوردن هیزم، الوار و فراورده‌های کاغذی استفاده می‌شوند. خوشبختانه اگر از جنگل‌ها مدبرانه حفاظت و بیش از ظرفیت برداشت نشوند، منابع تجدیدشدنی هستند. متأسفانه نژاد انسان به خوبی غم جنگل‌های جهان را نخورده است. تاکنون فعالیت‌های انسان سطح جنگل‌های اولیه را حداقل به یک‌سوم یا شاید به نصف کاهش داده است (Eckolm, 1976). قطع درختان برای تولید الوار به این جنگل‌زدایی کمک کرده، اما در کنار آن دو عامل خیلی مهم دیگر، یعنی قطع یکسره برای کشاورزی و جمع‌آوری هیزم برای سوخت نیز در آن، نقش داشته‌اند (مخدوم، ۱۳۷۱: ۲۸۹-۲۸۸).

سراسر منطقه‌ی جنگلی استان گیلان به‌استثنای برخی مناطق پُرشیب و مرتفع و دوردست، همواره در فصول مختلف محلّ تعلیف و سکونتگاه جنگل‌نشینان و دام آنها است، بنابراین نظر کارشناسان همیشه آن بوده است که حفظ و توسعه‌ی منابع جنگلی باقیمانده، مستلزم خروج دام جنگل‌نشینان از جنگل و نیز، در صورت امکان انتقال و جابه‌جایی آنان از جنگل به مناطق مجاور جنگل است.

جنگل‌ها اهمیت مالی و برنامه‌ای دارند و محلّ فعالیت اقتصادی هستند؛ زیرا در رفع نیازمندی‌های سوختی، چوبی و کاغذسازی مطرح هستند. برای مثال، ارزش اقتصادی جنگل‌های آلمان ۳۰۰ میلیون مارک است و کشور آلمان سالانه ۳/۵ میلیارد مارک درآمد مالی از جنگل‌ها دارد و یک میلیون نفر به این درآمد وابسته و ۸۰۰ هزار نفر در صنایع چوبی کار می‌کنند.

سوزنی‌برگان شمالی شامل ۱۶ درصد ذخیره‌ی چوبی جهان است، سوزنی‌برگان و پهن‌برگان معتدله ۲۹ درصد، جنگل‌های خزان‌کننده‌ی گرمسیری و نیمه‌گرمسیری ۲۸ درصد و جنگل‌های بارانی ۲۷ درصد است.

براساس برآورد سازمان جهانی خواربار بهره‌برداری از جنگل‌های جهان برابر ۳/۳۵۲ بیلیون مترمکعب است که ۱/۵۳۳ بیلیون مترمکعب آن از کشورهای صنعتی و ۱/۸۱۹ بیلیون مترمکعب آن از کشورهای در حال توسعه است. در کشورهای پیشرفته ۸۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه، ۲۰ درصد چوب مصارف صنعتی دارد و بدین ترتیب در تمام جهان، تنها ۴۰ درصد چوب دارای مصارف صنعتی است. در کشورهایی کنترل تجارت در دست دولت است، ۲۹ درصد و کشورهای در حال توسعه، ۱۵ درصد مصرف می‌کنند که در سال ۲۰۰۰ در حدود ۳۰ درصد آن به مصرف کشورهای صنعتی و ۶۰ درصد به مصرف کشورهای فقیر مصرف می‌کنند که در صورتی که در کشورهای پیشرفته فقط ۲۰ درصد مصرف سوخت منظور شده است. طبق برآورد سازمان جهانی خواربار در سال ۱۹۸۶ در حدود ۱/۶۸ بیلیون مترمکعب، چوب سوخت در دنیا مصرف شده که ۷۲ درصد آن در کشورهای در حال توسعه بود است و تا آخر قرن، ۲۲

درصد به تقاضای چوب سوخت جهان اضافه می‌شود. مصرف چوب سوخت جهان در کشورهایی مثل هندوستان، چین، برزیل و اندونزی زیاد است. جنگل‌ها اهمیت حیاتی دیگری برای کشاورزی و سایر فرآورده‌های جنگلی نیز دارند (مصدق، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

در جدول شماره ۲ خلاصه‌ای از اهمیت جنگل از نظر اقتصادی برای منابع مختلف و بخش‌های اقتصادی آمده است.

جدول ۲. اهمیت جنگل از نظر اقتصادی برای منابع مختلف و بخش‌های اقتصادی

بخش‌های اقتصادی	عمل
کشاورزی	حفاظت خاک، حفاظت مناطق، کم کردن رسوبات آب، حیات وحش، منابع ژنتیکی
جنگل	محصول چوبی، فرآورده‌های جنگلی، منابع ژنتیکی
غذا	غذای گیاهی، استفاده از شکار حیوانات
صنایع	منابع آب صنایع، نفوذ آب‌های آلوده، صنایع چوب
انرژی	تأمین الکتریسیته، چوب سوخت
سلامتی	آب سالم، گیاهان دارویی، آسایشگاه
جلوگیری از بلاهای آسمانی	جلوگیری از طغیان، جلوگیری از بهمن، جلوگیری از خشکی
حمل و نقل	جلوگیری از فرسایش داخلی، مصب رودخانه جلوگیری از خسارت باد در خرابی جاده‌ها
جهانگردی	استفاده جهانگردی

منبع: مصدق، ۱۳۸۳: ۲۹۹

### حفظ جنگل به عنوان سرمایه ملی

جنگل، این سرمایه ملی، علاوه بر ارزش اقتصادی، ارزش‌های محیطی فراوانی نیز دارد. تقویت خاک با تشکیل خاکبرگ یا هوموس و بالابردن قدرت رویشی آن از این طریق، حفاظت خاک در مقابل عمل فرسایش، تلطیف هوا به وسیله عمل فتوسنتز و تبخیر و تعریق گیاهی و تعادل بخشیدن به شرایط آب‌وهوایی، همه از امتیازهای محیطی جنگل به‌شمار می‌آیند. نقش اقتصادی جنگل، تنها در استفاده از چوب آن خلاصه نمی‌شود؛ چرا که بهره‌برداری اصولی از جنگل به موازات بازدهی اقتصادی آن، امکانات اشتغال و ایجاد صنایع بزرگ و کوچک را به‌همراه دارد. امری که در اقتصاد ناحیه‌ای و حتی ملی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امروزه رابطه‌ی میان جنگل و اقتصاد جنگل، یک رابطه‌ی دوجانبه است؛ چراکه در صورت بهره‌برداری، چنانچه نسبت به ترمیم آن اقدامی نشود، رویش طبیعی آن توان جایگزینی حجم بهره‌برداری شده را نخواهد داشت. از همین روست که جنگل یک منبع طبیعی تجدید شونده تلقی می‌شود و برخلاف دیگر منابع طبیعی که با بهره‌برداری ممکن است کاهش یابند، جنگل را می‌توان ترمیم و برای بهره‌برداری‌های دوره‌ای آماده کرد و بدین ترتیب امکان استفاده از آن را برای نسل‌های بعدی نیز تداوم بخشید. به‌گفته‌ی دیگر جنگل یک منبع ثروتی دائمی است که با تنظیم معادلات محیطی و بهره‌برداری آن، می‌توان روند کاشت، داشت و برداشت را همانند گیاهان زراعی در مورد آن نیز اعمال کرد و از امتیازهای اقتصادی آن بهره برد (رهنمایی، ۱۳۷۰: ۲۲۷).

## نقش کاربردی جنگل‌های شمال

وجود رشته کوه‌های البرز در کنار دریای خزر، سبب شده است که میزان بارندگی این ناحیه زیاد و قابل ملاحظه شود. سیمای جنگل‌های این منطقه تا حدی مشابه سیمای جنگل‌های گرم و مرطوب است (ثابتی، ۱۳۵۵: ۲۵۰). تخریب جنگل‌ها، کاهش حاصلخیزی خاک، کاهش تولیدات در نتیجه آفات، سوء تغذیه و کم‌غذایی مردم، سبب افزایش فشار روی اکوسیستم‌های ضعیف می‌شود، ضعف این اکوسیستم‌ها ناشی از عدم توسعه‌ی لازم جامعه و بهره‌گیری بیش از حد و نامعقول است که به سرعت ضعف منابع طبیعی را فراهم می‌کند (شکوئی، ۱۳۶۸: ۱۵۷).

جنگل و مرتع که از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های طبیعی ایران قلمداد می‌شوند، هم‌اکنون با وسعتی به مراتب کمتر از چند دهه‌ی گذشته استقرار دارند. جنگل‌های ایران در شمال، در حد متراکم و در دیگر نقاط به صورت پراکنده مشاهده می‌شوند. گرانبهاترین جنگل‌های ایران را می‌توان در گیلان و مازندران یافت. این طلای سبز از آستارا تا کلیداغی گسترده شده است.

ایرانیان باستان جنگل و پوشش گیاهی را منشأ خیر و برکت می‌دانستند؛ زیرا منابع جنگلی سرمایه‌ای سرشارند که آب مورد نیاز کشاورزی، مراتع و صنایع، و آبهای زیرزمینی را تأمین می‌کنند.

## نتیجه‌گیری

نخستین گام اساسی در مدیریت صحیح و اصولی جنگل‌ها، بهره‌گیری از اطلاعات مربوط به اصول رشد، تکامل و چگونگی ساختار طبیعی متأثر از عوامل محیطی توده‌های جنگلی است؛ چرا که بدون آگاهی از موارد فوق و با توجه به حساسیت‌های موجود، بیم آن می‌رود که دخالت‌های نامناسب، موجب برهم خوردن توازن و تعادل عناصر و اجزای اکوسیستم جنگلی شوند. البته دخالت ناسازگار با صفات و شرایط حاکم بر جنگل به منظور تداوم تکامل طبیعی، بسیار خطرناک‌تر از عدم دخالت در جنگل است (توانا و همکاران به نقل از متاجی، ۱۳۸۹: ۲).

سخت‌ترین و مهلک‌ترین ضربه به بقای جنگل‌های کشور را دو عامل انسان و دام وارد می‌آورند و از آنجا که دام نیز تحت اختیار انسان به چرا برده می‌شود، بنابراین شاید بتوان انسان را تنها عامل مخرب جنگل نامید. انسان نا آگاه بی‌آنکه خود متوجه عواقب وخیم عمل خود باشد، دست به تخریب منابع با ارزش می‌زند.

در مناطق جنگلی استان گیلان بر اساس آمارهای طرح جامع جنگل‌های شمال ۶۱,۰۰۰ خانوار با جمعیتی حدود ۳۶۰,۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند. اگر مصرف سوخت هر خانوار را طی یک سال فقط ۳۰ مترمکعب در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که کل مصرف سوخت جنگل‌نشینان گیلانی از منابع و درختان جنگلی به حدود ۲ میلیون مترمکعب می‌رسد. این رقم خیلی بیشتر از رویش سالانه و مقدار مجاز بهره‌برداری از جنگل‌های استان گیلان است.

چنانچه مقدار بهره‌برداری مجاز از جنگل‌ها را با عناوین مختلف به رقم فوق اضافه کنیم، حجم بهره‌برداری از جنگل‌های گیلان از مقدار ۳ میلیون مترمکعب نیز بالاتر خواهد رفت که این رقم در واقع با توجه به وضعیت که جنگل‌های گیلان در شرایط کنونی دارند، نزدیک به ۳ برابر رویش یا افزایش حجم سالانه‌ی درختان جنگلی است. این برآورد نشان می‌دهد که نه تنها سرمایه‌ی اصلی در جنگل حفظ و گسترش نمی‌یابد، بلکه کم‌کم از حجم درختان با ارزش

جنگلی که یک سرمایه و پشتوانه‌ی مهم ملی است، کاسته می‌شود. در جریان انقلاب اسلامی، قطع غیرمجاز درختان و نیز هجوم مردم برای تبدیل جنگل به اراضی زراعی و خانه و نیز، احداث خانه‌های جنگلی در عرصه‌ی جنگل به شدت افزایش یافت. از سوی دیگر سطح جنگل برای تعلیف دام‌های جنگل‌نشینان و روستاییان آزاد شد و بر تعداد دامداران و جنگل‌نشینان افزوده شد. نتیجه‌ی عدم مدیریت جنگل‌ها و تخریب آنها سبب فرسایش خاک، بروز سیل، جمع‌شدن رسوبات پشت سدها، کاهش ذخیره‌ی آبی کشور، از دست رفتن خاک به‌عنوان مکان تولید مواد غذایی، آلودگی هوا و کاهش تولیدات کشاورزی خواهد شد. برای استفاده مناسب از توان‌های جنگل‌های گیلان، بدون تخریب و با هدف پایداری و حفظ عناصر طبیعی حیات در آن، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ۱- حفاظت جنگل و مراتع از طریق درختکاری؛
- ۲- کشت علوفه و فعالیت‌های احیا و اصلاح جنگل و مراتع؛
- ۳- تأمین نیازهای اولیه‌ی کسانی که استفاده‌های غیرضروری از این منابع می‌کنند؛
- ۴- آموزش مردم مناطق برای حفظ پوشش گیاهی و آب و خاک.

## منابع

1. Census Center of Iran, 2000, **Statistical Yearly of the Country**. (In Persian)
2. Consulting Engineers of Taak-e-Sabz, 2004, **Comprehensive Plan for Multi-purpose Cilvics of Astara, Socio-Economic Studies**, Vol. 1, Rasht. (In Persian)
3. Eslah Arabani, E., 1995, **Book of Ghilan**, Publication, Pazhuheshgaran-e-Iran – Tehran (In Persian)
4. Eslah Arabani, Ebrahim, 1995, **Book of Ghilan**, Publication, Pazhuheshgaran-e-Iran, Tehran (In Persian)
5. Hasani Mehr, S. S., 2007, **Sustainable Management of Forests and Optimized Operation**, National Conference on Ecological Agriculture of Iran, Gorgan Natural Resources University. (In Persian)
6. Khaledi, Sh., 2005, **Biological Geography**, 1<sup>st</sup> Edition, University Publication, Peyam-e-Nour, Tehran. (In Persian)
7. Kia Lashki, A. and Rezvani, M., 2009, **Studying Wild Pomegranate Expansion in Coasts of West of Mazandaran**, Scientific and Research Quarterly of Natural Resources Sciences and Skills, Vol. 4, No. 1, PP. 31-40. (In Persian)
8. Mobiler, J. T., 1992, **Living in Environment**, Translator: Makhdoom Majid, 1<sup>st</sup> Edition, University Publication, Tehran. (In Persian)
9. Mosaddeg A., 2004, **Cilvics**, 3<sup>rd</sup> Edition, Tehran University Publication, Tehran. (In Persian)
10. Moshiri, S. R. and Hassani Mehr, S. S., 2006, **Studying the Geography of Socio-Economic Effects of Plan of Livestock Exiting Plan from the Forest in Rural Districts of Heiran –Virmuni – Astara**, Scientific and Research Journal, Encyclopedia No. 6, Summer 2006, PP. 161-184, Tehran. (In Persian)

11. Motiee Langroodi, S. H., 2005, **Iran's Economic Geography and Agriculture**, 3<sup>rd</sup> Edition, Jihad-e-Daneshgahi Publication, Mashhad. *(In Persian)*
12. Organization of Forests and Grasslands of the Country, 1994, **Preparation and Implementation Guidelines of Reorganization Plan of Livestock Exiting Plan from Forests and Concentration of the Scattered Families Living in Northern Forests of the Country**. *(In Persian)*
13. Rahnamaee M. T., 1991, **Environmental Abilities of Iran, Geographical Grounds of Comprehensive Plan of the Land**, 1<sup>st</sup> edition, Center for Studies and Researches on Urban and Agriculture of Ministry of Housing and Urban Development. *(In Persian)*
14. Sabeti, H., 1976, **The Relation between Plant and Environment (Sin Echology)**, Publication, Dekhoda , Tehran *(In Persian)*
15. Salmanian Chafjiri, M. R. et al. 2009, **Studying and Comparing Methods for Renewing the Used Volume in Series of a Saltwater**, Golband Forestry Plan, Scientific-Research Studies about Forest and Spruce of Iran, Vol. 17, No. 2 , PP.167-173. *(In Persian)*
16. Samari, D., 1998, **Studying the Effective Factors in Acceptance of Aggregation Plan for Villages with Low Population Forester Families in Gorgan and Gonbad Region**, Forest and Grassland Quarterly, Vol. 2 , No. 39, PP. 53-69. *(In Persian)*
17. Shokooee, H., 1989, **Applied Geography and Geographical Schools**, 2<sup>nd</sup> Edition, Astaan-e-gods-e-Razavi Publication, Mashhad. *(In Persian)*
18. Tavana, A., et al., 2000, **Study on Determining the Tree Type in Transversal Profile of Iran's Northern Forests**, Scientific and Research Quarterly of Natural Resources Sciences and Skills, Vol. 5, No.2, PP. 36-52 *(In Persian)*
19. The Plan for Reorganization of Scattered Villages of Central Division of Astara City, 1997, **Specialized Center for Development and Civil of University Jihad of Gilan Province**, Gilan. *(In Persian)*